

خودکشی کشاورزان هندی

در هر ۳۰ دقیقه یک کشاورز در هند خودکشی میکند. شاید در نگاه اول این عبارت شبیه به یک شوخی باشد اما بین سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ آمار خودکشی کشاورزان هندی به قدری بالا بود که تعداد تقریبی ۳۰۰,۰۰۰ خودکشی در بین کشاورزان طی این سالها ثبت شده و این یعنی هر نیم ساعت یک کشاورز! گزارش در مطبوعات مردمی درباره خودکشی های کشاورزان در هند از اواسط دهه ۹۰ آغاز شد و از سال ۱۹۹۵ بصورت جدی مورد بررسی قرار گرفت. طبق گزارش به دست آمده از آژانس ثبت جرائم ملی (National Crime Records Bureau) این آمار شگفت انگیز تنها ۱۴ درصد از کل خودکشی هایی است که در هند صورت گرفته و این یعنی خودکشی در میان اهالی این سرزمین عجایب، سالهاست به یک بحران جدی تبدیل شده است.



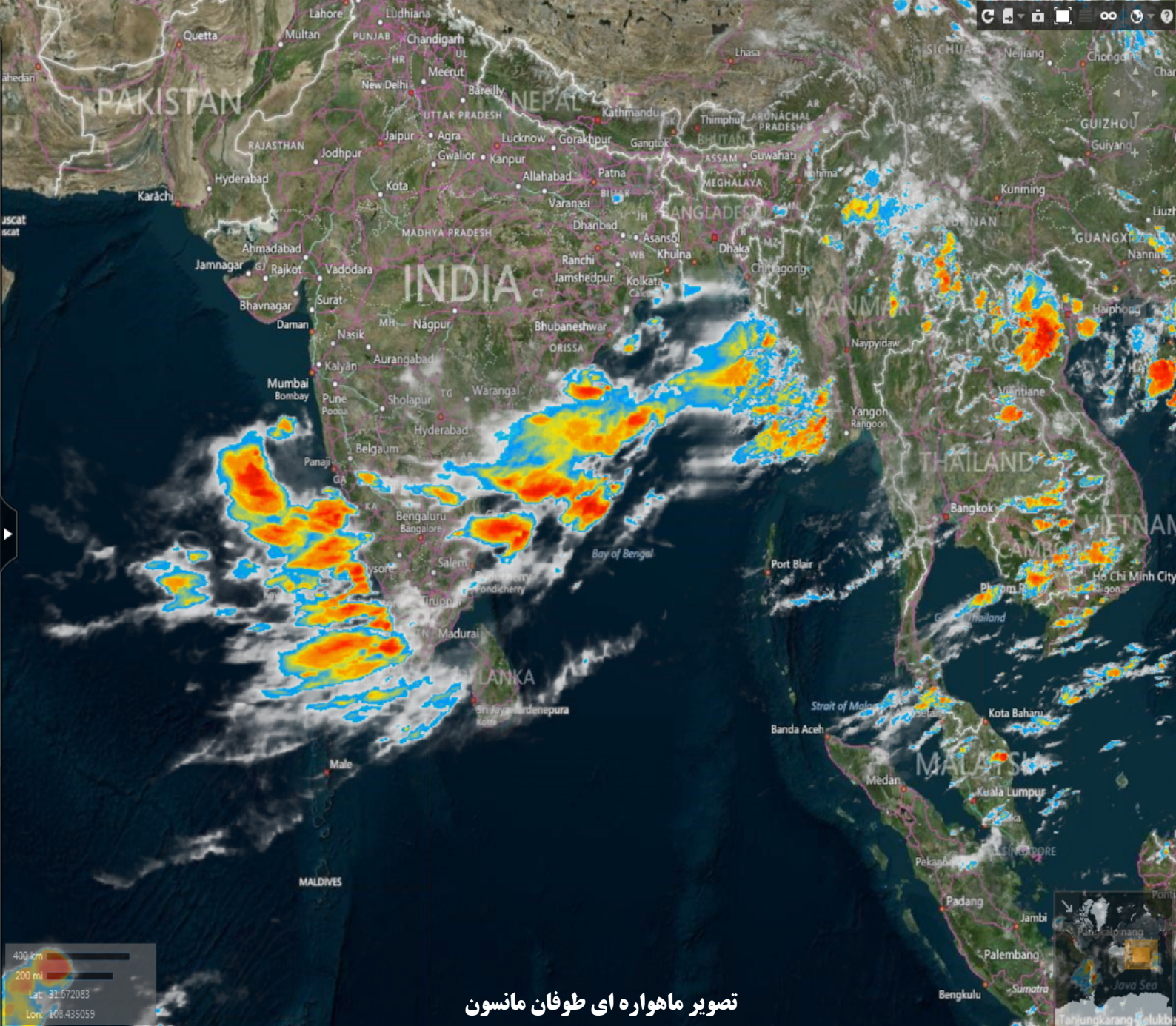
این عمل معمولاً به دو شکل خوردن سم و یا حلق آویز کردن صورت میگردد و حدود ۸۵ درصد از کشاورزانی که دست به خودکشی میزنند را مردان تشکیل میدهند. دو ایالت بزرگ مهاراشترا (Maharashtra) (ایالتی پهناور و پرجمعیت واقع در غرب هند که پایتخت آن بمبئی است) و تامیل نادو (Tamil Nadu) (واقع در جنوب هند که پایتخت آن چنای است) بیشترین تعداد خودکشی در هند را به خود اختصاص داده اند. محققان به این بحران به چشم یک مسئله ی اجتماعی/اقتصادی نگاه میکنند و معتقدند اغلب انگیزه های مطرح شده برای خودکشی کشاورزان به این دو حوزه گره خورده است در ادامه به بررسی این اتفاق در بین جامعه کشاورزان، علل و اثرات سوء آن بر خانواده آنها میپردازیم. از دیرباز بخش مهمی از اقتصاد هند برپایه ی کشاورزی استوار بوده و معیشت اکثر مردم هند وابسته به آن است. کشاورزان با کار روی مزارع، هم نان آور خانواده ی خود بوده و هم تامین کننده ی نیاز سایر مردم هند. با گذر از تاریخ شروع جدی بحران کشاورزان هند را میتوان قبل از استقلال این کشور در دوره ی استعمار حکومت بریتانیا یافت. بین سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۷۰ میلادی به علت اعمال قوانین مالی تحمیل شده توسط حکومت بریتانیا در دکن (Deccan) (سرزمین های جنوبی هند در آن زمان)، مالیات مزارع بالا رفت و قیمت محصولات کشاورزی به شدت کاهش یافت و تا سالهای زیادی در پایین ترین حد خود باقی ماند و این یعنی کاهش شدید درآمد کشاورزان. از طرفی به علت شیوع قحطی گسترده، جمعیت زیادی از بین رفتند و آنهایی که جان سالم به در بردند مجبور شدند با گرفتن وام از سرمایه داران خصوصی به زندگی خود ادامه دهند اما باز پس دادن بدهی و بهره ی زیاد آن در وضعیت قحطی کاری غیرممکن بود و صدمات جانی و روحی بسیاری بر کشاورزان وارد کرد. هر چند در آن دوره کشاورزان برای بهبود مقطعی شرایط دست به شورش هایی زدند (Deccan Riots ۱۸۷۵) اما تا به امروز مشکلات زیادی در زندگی این قشر از جامعه هند مشاهده میشود.



کشاورزان هند معمولاً از نظر اقتصادی اوضاع مناسبی ندارند. بنا بر گزارش IndiaSpend در سال ۲۰۱۷، تقریباً ۷۰ درصد از ۹۰ میلیون خانوار هندی که از طریق کشاورزی امرار معاش میکنند، درآمدی به مراتب پایین تر از خرج خانواده خود بدست می آورند. نان آور خانواده، نه لزوماً پدر بلکه گاهی مادر و یا برادر بزرگی است که به دلایلی عهده دار تامین هزینه های خانواده ی خود می باشند. تامین خورد و خوراک، تحصیل، هزینه های سنگین بهداشت و رفت و آمد به شهر برای درمان ، جهیزیه دختران که تهیه آن از اهمیت بسیار بالایی برای خانواده دختر برخوردار است، خرید تجهیزات کشاورزی، تسویه حساب بدهی ها و وام های گذشته و... از مواردی است که کشاورز را تحت فشار قرار داده و او را مجبور به گرفتن وام های جدید و معمولاً با بهره های سنگین میکند.



پایین بودن مقدار وام های دولتی در بخش کشاورزی سبب شد تا کشاورزان از منابع خصوصی وام با بهره های کلان دریافت کنند و این وام ها نه تنها باری از دوش کشاورزان برداشت، بلکه سنگین تر شدن بدهی، خود سببی شد تا نان آور خانواده دست به خودکشی بزند. IndiaSpend دلیل اصلی خودکشی بیش از نیمی از کشاورزان هند در سال ۲۰۱۵ را بدهی عنوان کرد. در این میان کاهش میزان محصول برداشت شده یعنی کاهش درآمد که نتیجتاً با توجه به هزینه های جاری کشاورزان ضربه ی سنگینی به پیکره ی اقتصاد خانوار وارد می شود و این یعنی انگیزه ای برای خودکشی.



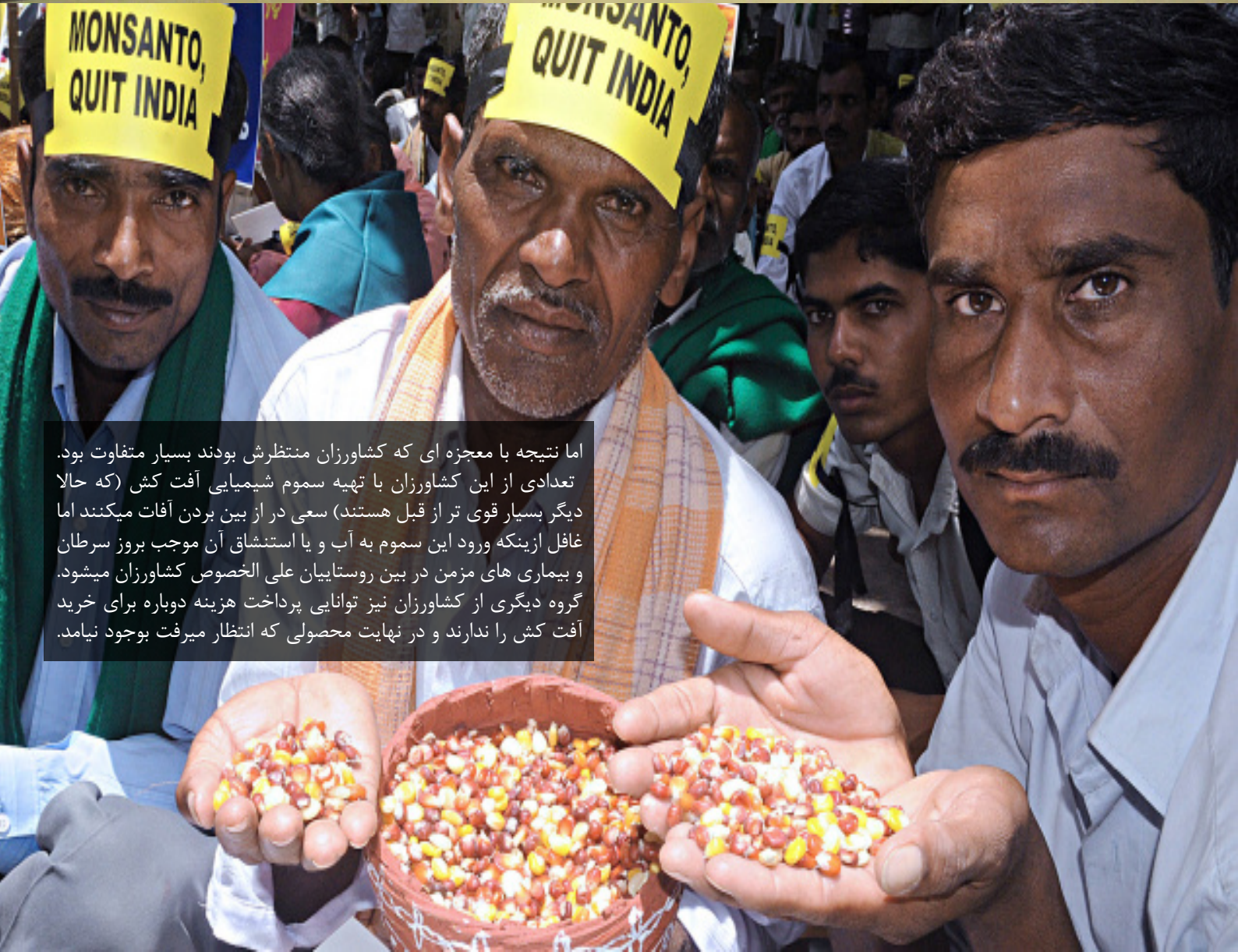
تصویر ماهواره ای طوفان مانسون

از عوامل کاهش برداشت و درآمد کشاورزان هندی میتوان به تغییرات آب و هوایی وابسته به طوفان های موسمی یا مانسون (Monson) اشاره کرد که گاهی باعث ایجاد سیل و شسته شدن مزارع و تخریب محصولات میشود و گاهی با خشکسالی زمین را نابود میکند. از آنجاییکه اکثر زمین های کشاورزی سیستم آبیاری مناسبی ندارند کشاورزی به طور کامل وابسته به این باران هاست. تغییرات شدید در الگوی بارندگی حاصل از این پدیده طبیعی عاملی است که سبب میشود کشاورز محصولی برای برداشت و فروش نداشته باشد و در اثر فشار اقتصادی یا همان ابتدا خودکشی کند و یا پس از گرفتن وام ها و قرض های سنگین برای جبران ضرر ناشی از این پدیده و فرو رفتن در بهره های سنگین دست به خودکشی بزند.

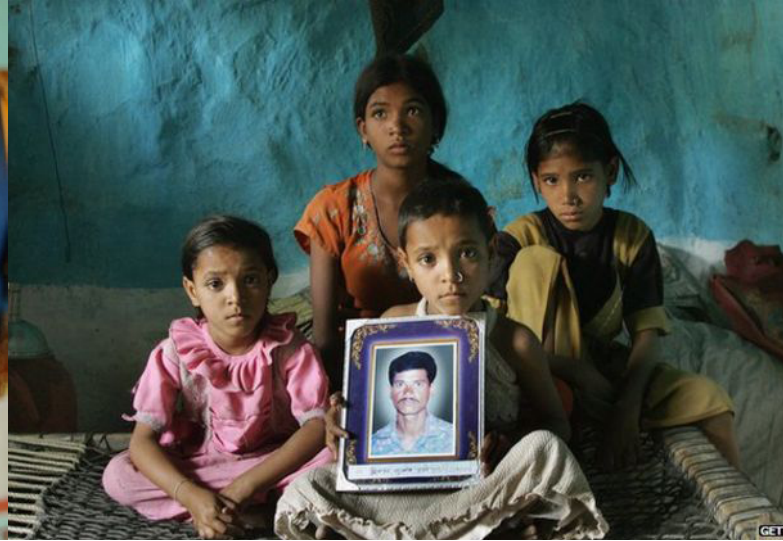
اما در این بین برخی از شرکت های خارجی تولید بذر با پیشنهادی وسوسه کننده توجه کشاورزان برخی از روستاها را به خود جلب کردند. داستان زیر را بخوانید:

در میان بحران های اقتصادی کشاورزان، برخی از شرکت های خارجی تولیدکننده ی بذر که معروف ترین آنها کمپانی آمریکایی مونسانتو (Monsanto Company) بود، با تبلیغات گسترده در میان روستاییان و کشاورزان پنبه کار ، بذرهایی را معرفی کردند که در برابر خشکی، بارندگی های فراوان و آفت ها مقاوم بوده در نتیجه محصول نهایی حاصل از کاشت این بذرها نسبت به بذرهایی رایج بسیار بیشتر خواهد بود. کشاورزان که تنها راه رسیدن به درآمد بیشتر را کاشت این بذرها میدانستند، آنها را با قیمتی چندبرابر قیمت بذرهای معمولی خریداری کردند.

همانور که گفته شد سرمایه ی کشاورزان کفاف نیازهای اولیه آنها را نیز نمیداد پس برای خرید آن بذرهایی جادویی، کشاورزان ناگزیر با گرفتن وام و یا گرو گذاشتن سند زمین های کوچک کشاورزی خود (که تنها محل درآمدشان بود) به سرمایه داران شخصی، این بذرها را تهیه کردند.



اما نتیجه با معجزه ای که کشاورزان منتظرش بودند بسیار متفاوت بود. تعدادی از این کشاورزان با تهیه سموم شیمیایی آفت کش (که حالا دیگر بسیار قوی تر از قبل هستند) سعی در از بین بردن آفات میکنند اما غافل ازاینکه ورود این سموم به آب و یا استنشاق آن موجب بروز سرطان و بیماری های مزمن در بین روستاییان علی الخصوص کشاورزان میشود. گروه دیگری از کشاورزان نیز توانایی پرداخت هزینه دوباره برای خرید آفت کش را ندارند و در نهایت محصولی که انتظار میرفت بوجود نیامد.



حالا کشاورز می ماند و بیماری لاعلاج و هزینه هایش، بدهی ها و ناراحت کننده تر، زمینی که بعنوان تنها محل درآمد باید به جای بدهی و سود آن به سرمایه دار ببخشد. این یک داستان واقعی بود که پایانش تنها با خودکشی کشاورز به اتمام میرسد.

اما بعد از خودکشی نان آور یک خانوار، چه بر سر اعضای خانواد او می آید؟

وام دهندگان خصوصی برای گرفتن قرض خود اعضای خانواده را به روش های گوناگون تحت فشار قرار داده و آنها را آزار میدهند. دختران به دلیل عدم توانایی در تهیه جهیزیه شانس ازدواج را از دست میدهند و پسر ها به طور ناگهانی با مسوولیتی تازه در نقش نان آور جدید خانواده روبرو میشوند.

آنها باید تحصیل را رها کرده و از سن کم وظیفه تامین معاش یک خانواده را به دوش بکشند و شاید در آینده در اثر این فشار به سرنوشت پدران خود دچار شوند. این شرایط وقتی سخت تر می شود که علاوه بر پدر مادر خانواده نیز دست به خودکشی میزند.

در انتها وصیت نامه ی (Anooj Vajpayee)، کشاورز جوان هندی را ملاحظه میکنید که خطاب به وزیر مربوطه به تشریح وضعیت خانوادگی و علت خودکشی خود میپردازد:

جناب وزیر،

اسم من (Anooj Vajpayee) است. من در روستای (Kanwara) در منطقه ی (Bonda) زندگی میکنم. من و پدرم به شدت تحت فشار پرداخت وام هایی هستیم که از بانک ها و وام دهندگان خصوصی گرفته ایم. برای ازدواج خواهرم و تامین مخارج آن وام های زیادی گرفتیم چون محصولی برداشت نکرده بودیم که پولی داشته باشیم. حالا وام دهندگان خواستار بازگشت پول خود هستند. پدرم به دلیل عدم توانایی در بازگرداندن بدهی دچار بیماری روانی شده است. من نیز خودکشی میکنم اما باید بگویم ما بارها از مراجع دولتی درخواست کمک کردیم ولی هیچ پاسخی به ما داده نشد.



माननीय मुख्य मंत्री महोदय

मैरा नाम अनूज वाजपेयी है मेरे गांव + पौ.
कनवार जिला बाँपा का रहने वाला हूँ मैं और मेरा
पिता बैंक का कर्ज और साहूकारों के कर्ज से
काफी परेशान रहता हूँ मेरे पिता का मानसिक
सन्तुलन करीब द: बराबर चल रहा है बैंक के कर्मचारियों
त गाँव के साहूकार मुझे व मेरे पिता को बहुत परेशान
करते थे। मेरे पास अन्य कोई विकल्प नहीं था। इसी
वजह से मैं आत्म हत्या के लिए मजबूर हो गया
पिछले दो सालों से खेता में कुछ नहीं हुआ। मुझे
खन की शादी करने में काफी कर्ज लेना पड़ा। हम
में और मेरा पिता बहुत परेशान हैं। जिला प्रशासन को
सूचना भी की लेकिन प्रशासन ने कोई व्यवस्था नहीं दी